

تاریخ دریافت مقاله: ۱۰ / ۴ / ۸۷
تاریخ پذیرش نهایی: ۳۰ / ۶ / ۸۷

دکتر عبدالمجید حسینی‌راد^۱، دکتر اصغر کفشچیان مقدم^۲، شاداب عبدی فرزانه پور^۳

تصویر جبرئیل (ع) در نگارگری ایرانی

چکیده

نگارگری ایرانی دریچه‌ای است به سوی «عالم ملکوت» یا سرزمین آسمانی «هورقلیا» که پوشیده از انوار مقدس است و صور تشکیل دهنده این اقلیم نورانی، صورت‌های مثالی و لطیف و روحانی‌اند. از این رو، فرشتگان به عنوان حقایق روحانی در این جهان برزخی نمود می‌یابند و می‌توان آن را جهان خاص فرشتگان قلمداد کرد. این مقاله با محوریت موضوع «جبرئیل» به عنوان فرشته وحی و راهنمای پیامبر(ص) در سفر معراج، کوششی است برای درک بهتر این محتوا که همانطور که درک عوالم پنهان هستی و جهان درون به راهنمایی فرشته صورت می‌پذیرد، نگارگری ایرانی نیز از صورت طبیعت پرده برمی‌دارد و مخاطب خویش را از عالم محسوسات به فضای نورانی عالم ملکوت، که از چشم سر پنهان است، رهنمون می‌گردد. نکته شایان ذکر دیگر، اشاره به روح واحدی است که بر فرهنگ و هنر سرزمین‌مان در ادوار گوناگون تاریخی جریان داشته است. خاطره قومی مشترکی که «ایران مزدایی» را به «ایران شیعی» می‌پیوندد و فضایی را فراهم می‌آورد که ادیب و هنرمند، فیلسوف و شاعر، دانشمند و حکیم همگی ترجمان گوناگونی از یک اندیشه واحد را در قالب آثار خود عرضه کنند.

واژه‌های کلیدی: جبرئیل در نگارگری، تصویرعالم مثال، تصویر فرشتگان، ملک مقرب.

۱. دانشیار دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران.
Email: hrad@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران.
Email: kafshchi@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شهر تهران، استان تهران.
Email: shadab_f21@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۲/۲۶

افسانه ناظری^۱

«حال سرمدی»، تأویلی بر نگاره «خسرو و شیرین»

چکیده

طرح مقوله جمع اعداد در عالم محسوس و تقارن حوادث و زمان‌های متوالی و پیاپی در آن واحد، و به‌طور یکجا محال و غیرممکن است و لذا به‌نظر می‌رسد که نمایش همزمان مراتب پیوسته و ویژگی‌های ساختاری منحصر به فرد در نگاره‌های ایرانی و به‌طور اخص نگاره خسرو و شیرین آشکارا بر وجود زمان و مکان دیگری دلالت دارد؛ چنانچه این‌بار شاهد نمایش همزمان دو فضای مجزا، دو زمان (دو آسمان شب و روز) در آن واحد در یک تصویر هستیم. این ویژگی و این ترکیب شگفت پیش از هر چیز «حال سرمدی» صوفیه را به یاد می‌آورد. حالی که در آن مفهوم زمان و مکان (در مقایسه با زمان و مکان محسوس) استحاله یافته، موقع و فضای دیگری را طرح می‌کند. بدین معنی ضمن طرح فرضیه ارتباط مضمونی و محتوایی نگاره‌های ایرانی با عرفان اسلامی [در این‌جا به‌طور خاص] مقوله «وقت» و به تعبیری حال سرمدی صوفیه، و با هدف تأویل و گشایش روزه‌ای به‌سوی معناهای نهفته و پنهان آثار، به بررسی وجوه و شاخصه‌های قرابت این دو، ویژگی‌های تمثیلی و به‌طور اخص «ساختاری» نگاره و قابلیت انطباق آن با آراء صوفیه (عین‌القضاء همدانی، داوود قیصری، شیخ محمود شبستری و ...) با رعایت اختصار اشاره و پرداخت شده است.

واژه‌های کلیدی: سرمد، حال صوفی، زمان و مکان، فضا، همزمانی، نگاره ایرانی، نگاره خسرو و شیرین

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۸/۱۴

پرویز هلاکویی^۱، عباس عابد اصفهانی^۲، دکترصمد سامانیان^۳، حسام اصلانی^۴

بررسی فنی لایه چینی تزیینات طلاچسبان دوره صفوی در اصفهان^۵ (با تکیه بر لایه چینی های عالی قاپو، چهلستون و هشت بهشت)

چکیده

در این مقاله پس از مرور اجمالی واژه شناسی لایه چینی و تاریخ استفاده از تزیینات برجسته طلاکاری شده در اروپا و ایران، تاریخ و فن اجرای این تزیینات در ائینه دوره صفوی اصفهان، با بررسی موردی نمونه هایی از کاخ های عالی قاپو، چهلستون و هشت بهشت مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور از آزمایش های انجام شده به روش SEM برای تعیین ضخامت ورق طلا و همچنین مشاهده ساختار میکروسکوپی لایه چینی تزیینات طلاچسبان استفاده شده است. در دیگر بررسی های فنی، تجزیه عنصری نمونه لایه چینی های کاخ های عالی قاپو، چهلستون و هشت بهشت به روش EDS صورت گرفته و تجزیه فازی این نمونه ها با روش XRD انجام شده است. در این مقاله با توجه به مشاهدات و یافته های فنی، نتایج درباره دلایل استفاده از مواد رنگی در ترکیب لایه چینی تزیینات طلاچسبان ارائه شده است. در انتها با انجام آزمایش های شیمی تر و شناسایی مواد آلی در ترکیب لایه چینی های تزیینات برجسته طلاچسبان اصفهان، تعیین نوع بست چسباننده در ترکیب لایه چینی های مورد بررسی به روش TLC انجام شده است. نتایج حاصل از بررسی ها نشان داد که در ترکیب لایه چینی های مورد مطالعه از گچ کشته نشده (به صورت یک پودر ریزدانه و خشک)، گل ارمنی و یک چسب پروتئینی (به احتمال زیاد سریشم) استفاده شده است.

واژه های کلیدی: لایه چینی، صفوی، عالی قاپو، چهلستون، هشت بهشت.

۱. کارشناس ارشد رشته مرمت اشیای فرهنگی و تاریخی، شهر اصفهان، استان اصفهان
Email: parvizholakooei@gmail.com
۲. مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، استان اصفهان
Email: aabed@khuisf.ac.ir
۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران؛ شهر تهران، استان تهران
Email: Samanian_s@yahoo.com
۴. عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری رشته مرمت دانشگاه هنر اصفهان، شهر اصفهان، استان اصفهان
Email: h.aslani@au.ac.ir
۵. این مقاله با همکاری انجمن علمی مرمت و معاونت پژوهشی دانشگاه هنر تهران به انجام رسیده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷ / ۱ / ۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷ / ۶ / ۲۰

ناهد پاکزاد^۱

شناسایی نقوش جوراب‌ها و دستکش‌های سنتی مازندران

چکیده

استان مازندران دارای ده‌ها نگاره و نقش ارزشمند است که در دست‌بافته‌های سنتی این منطقه، به‌خصوص در جوراب‌ها و به شکل محدودتر در دستکش‌ها دیده می‌شود. برای شناسایی و بررسی هویت تصویری نقوش سنتی مازندران در طی یک تحقیق میدانی یک ساله در بیش از ۶۰ روستای استان مازندران از شرق تا غرب نمونه‌های زیادی جمع‌آوری گردید. اطلاعات مورد نیاز با بررسی نقوش در اصل دست‌بافته و نیز مصاحبه با زنان سالخورده به دست آمده است. تجزیه و تحلیل و مقایسه نمونه‌ها بیش از ۷۰ نقش قدیمی در جوراب‌ها و دستکش‌های سنتی را آشکار کرده است. مهمترین یافته‌ها درباره این نقوش عبارتند از: ۱- بسیاری از نگاره‌ها از نقوش فرش و گلیم برگرفته شده است. ۲- نگاره‌ها شامل نقوش جانوری، گیاهی، نقوش هندسی و خطوط نوشتنی است. ۳- بارزترین مناطق از نظر کثرت و تنوع در نقوش منطقه لفور در سوادکوه و بلده در نور است. ۴- تعدادی از نقوش مانند نقوش چپری و کج گل با نقوش دست‌بافته‌های سایر مناطق ایران شباهت بسیار دارند؛ بعضی از آنها مانند نگاره مرغ و درخت از جمله نگاره‌های اصیل ایران باستان به‌شمار می‌رود و تعدادی از نقوش مانند بازبازک، و میچکا رج، بومی به نظر می‌رسد. ریشه‌یابی و بررسی هویت تصویری این نگاره‌ها می‌تواند بر اساس آداب و سنن بومی، بن‌نگاره‌های اصیل ایران باستان، مهاجرت‌ها و تبادلات فرهنگی و تاریخ کهن مازندران صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: دست‌بافته‌ها، نقوش و نگاره‌ها، جوراب‌ها و دستکش‌های سنتی، مازندران

۱. کارشناس ارشد گرافیک، مدرس آموزشکده فنی و حرفه‌ای دختران بابل، شهر بابل، استان مازندران
Email: nahidpakzad@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۱/۱۰

سید محمد مهدی ساعتچی^۱، دکتر محمد ضیمران^۲

همگانی بودن حکم ذوقی در زیباشناسی کانت و نسبت آن با اندیشه روشنگری

چکیده

مفهوم ذوق در داوری زیباشناسی دلالت‌های روشنگرانه چندی دارد که یک مورد از آنها تأمل برانگیزتر از بقیه به نظر می‌رسد؛ همگانی بودن حکم ذوقی. ذوق اساساً امری نه خصوصی بلکه اجتماعی است. برخلاف دید امروزی ما به پدیده ذوق همچون موضوعی شخصی که منجر به دیدی نسبی‌گرایانه در زیباشناسی می‌شود، ذوق برای کانت و زیباشناسی دوره روشنگری نه فقط به معنای امری ذهنی، بلکه مصداقی از غریزه اجتماعی بود که غالب فیلسوفان روشنگری آن را هسته جامعه‌پذیری قرار می‌دادند. چنانکه در فلسفه کانت می‌بینیم، زیباشناسی در تلقی جدید، ملاحظات پیرامون هارمونی و تناسب و زیبایی طبیعت و قواعد آن را از ساحت مباحث هنر و زیبایی بیرونی و عینی به حوزه ارتباطات جامعه انسانی منتقل می‌کند. کانت خود این تناسبات را به حوزه انسان و احکام او می‌برد و آن را به طرز بدیعی نه موضوعی تجربی، بلکه مسئله‌ای فلسفی می‌سازد. از همین رو است که می‌توان گفت موضوع استتیک نه بیان مفاهیم و تعاریفی پیرامون هنر بلکه بررسی حواس انسان در پیوند با دیگران است. مسئله آن درک منطق خاص احساسات و عواطف انسانها و چگونگی انتقال‌پذیری این احساس‌هاست. زیباشناسی در دوره روشنگری در ضمن بیانگر امید و آرزو برای وحدت جامعه انسانی است. جایی که در آن دیالکتیکی بین ذوق افراد و ذوق جمعی وجود دارد و نه یک فردیت به معنای جدایی از دیگران که بر ذوق حسی صرف تکیه داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: ذوق، کلی، روشنگری، مطبوع، اعتبار همگانی

۱. کارشناس ارشد فلسفه هنر، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر تهران، شهر تهران، استان تهران.
Email: mehdisaatchi@yahoo.com

۲. استادیار گروه آموزشی فلسفه هنر، دانشگاه ماساچوست آمریکا، شهر تهران، استان تهران.
Email: mzaimaran16@hotmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۲۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۳/۲۱

نادر شایگان‌فر^۱

بی‌وجه بودن تمایز مفهوم ابزار و نتیجه / هنر کاربردی و هنر زیبا در فلسفه هنر جان دیویی

چکیده

جان دیویی، فیلسوف پراگماتیست آمریکایی است که تحت تأثیر آموزش‌های هگلی دوران جوانی‌اش، بر فلسفه «کل‌گرایانه» تأکید داشت؛ فلسفه‌ای که در آن جهان به یک کل یکپارچه به نام طبیعت (Nature) تحویل می‌شود. او سعی کرد که مفهوم کل‌باورانه هگلی را با تفکر طبیعت‌باورانه داروینی درهم بیامیزد. در نتیجه چنین فلسفه‌ای در ساحت هنر نیز هر گونه تمایزی از قبیل هنر فاخر / نازل، هنر کاربردی / زیبا، هنرمند / مخاطب و ... از میان برخاسته خواهد شد. مقاله حاضر بر آن است که با تأکید بر نحوه نگاه دیویی به مفهوم وسیله-هدف بحث و نقطه نظر دیویی را در خصوص یگانگی هنر کاربردی و زیبا و در نتیجه وحدت و کلیت مفهوم هنر پیش برد. روش تحقیق در این مقاله، روش کتابخانه‌ای و شیوه کار به‌طور کلی بر درون مایه‌های منابع موجود در این زمینه استوار است. بنابراین نوشتار حاضر در نتیجه‌گیری سعی میکند از منظری خاص نتایج فلسفه زیباشناسانه جان دیویی را در کتاب هنر به مثابه تجربه در یکی از مسائل خاص زیبایی‌شناسی در اندیشه معاصر در باب تمایز میان هنر کاربردی و زیبا دنبال کند؛ چرا که با از میان رفتن تمایز هنر کاربردی و زیبا و ادغام آن در یک وحدت ارگانیک - که ریشه‌های فلسفی آن در فلسفه حیات یا زندگی جان دیویی به خوبی تبیین شده است - می‌توان زندگی، هنر و فرهنگ را در یک کلیت به هم پیوسته در نظر آورد.

واژه‌های کلیدی: تجربه، ابزار و نتیجه، هنرهای زیبا، هنرهای کاربردی، طبیعت.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، شوش، استان خوزستان.
Email: nader_sh790@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷ / ۱ / ۲۹
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷ / ۲ / ۱۷

طاهر رضازاده^۱، دکتر حبیب‌اله آیت‌اللهی^۲

مبانی طراحی پایدار

چکیده

تا کنون دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی در زمینه طراحی برای توسعه پایدار، ارائه شده است. در بیشتر این دیدگاه‌ها، فاکتورها و سنجه‌های محیطی، بیش از دیگر عوامل مؤثر در پایداری ایفای نقش می‌کند و بنابراین برخی از ابعاد پایداری در طراحی - همچون مسائل اجتماعی و فرهنگی - نادیده گرفته می‌شود. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته، به تبیین مبانی طراحی پایدار پرداخته شده است که در آن، بر سه عامل اساسی طراحی صنعتی که پایداری آنها نقش بسیار عمده‌ای را در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند، تأکید گردیده است؛ این عوامل عبارتند از: پایداری مواد به‌کار رفته در محصولات، پایداری عملکرد محصولات و پایداری رفتار استفاده‌گران محصولات. برای پایداری مواد به‌کار رفته در محصولات، «استفاده از مواد و منابع تجدیدشونده» و «تکیه بر دانش بومی برای تقویت تنوع زیست محیطی»، مورد تأکید قرار گرفته است. «ارتباط درونی میان بعد فیزیکی و بعد مفهومی محصول»، «تکیه بر تجسم ارزش‌های پایدار و شناخته شده اجتماعی و فرهنگی»، «ایجاب صمیمیت شخصی با محصول» و «ارائه تصویری ماندگار از محصولات» از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پایداری عملکرد آنها است و در نهایت رسیدن به یک رفتار پایدار نیازمند بهره‌گیری از «ادبیات اکولوژیکی» است که خود بر سه اصل «شناخت»، «به‌زیستی» و «درایت عملی» مبتنی است.

واژه‌های کلیدی: طراحی صنعتی، طراحی پایدار، طراحی محیطی، عملکرد پایدار، رفتار پایدار

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران.
Email: taheer_136@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران.
Email: habib_ayat@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۱/۱۲

زهرا کمالی^۱

بررسی رویکرد والتر بنیامین به هنر عامه در تقابل با تئودور آدورنو

چکیده

مطالعه فلسفی در باب هنرهای عامه، در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. هنرهای عامه‌ای چون عکاسی و سینما، تجربه هنری را برای نخستین بار برای توده‌های وسیع ممکن ساخت و هنر را از تعلق به طبقه اجتماعی خاص رها کرد. والتر بنیامین به‌عنوان عضو حاشیه‌ای مکتب فرانکفورت به امکان‌های گسترده و رهایی‌بخشی که در این تجربه جدید هنری نهفته است توجه می‌کند. او معتقد است در هنر عامه که مهمترین خصوصیت آن در عصر حاضر بازتولیدپذیری است، نیرویی نهفته که قادر است بر ضد سنت عمل کند. تجربه هنری جدید دگرگون‌کننده مفهوم خود هنر است و منش آیینی را به نفع منش سیاسی و اجتماعی کنار می‌زند. از نظر بنیامین هنرهایی چون عکاسی و سینما در عصر بازتولیدپذیری سبب شدند که هاله تقدس از گرد آثار هنری رخت بریندند. این دیدگاه بنیامین باعث ایجاد مباحثه‌ای بین او و تئودور آدورنو دیگر عضو این مکتب گردید. او که در جهت مخالف دیدگاه بنیامین قرار دارد معتقد است که هنرهای عامه (که غالباً با اصطلاح «صنعت فرهنگ» از آنها یاد می‌کند) عامدانه به قصد مردم‌فریبی و دادن توهم به مخاطبان تولید می‌شود. اما باید گفت که این رویکرد بنیامین که عمیقاً متفاوت با رویکرد دیگر اعضای این مکتب است را می‌توان زمینه‌ساز زیبایی‌شناسی نوینی دانست.

واژه‌های کلیدی: صنعت فرهنگ، بازتولیدپذیری تکنیکی، منش آیینی، هاله (تجلی)، هنر عامه

۱. کارشناس ارشد فلسفه هنر، دانشگاه هنر تهران، شهرتهران، استان تهران.